

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

شتر

روزنامه

شنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۴ • ۱۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ • ۸ نوامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۴۹ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۲ • اذان صبح فردا ۵:۰۸ • طلوع آفتاب ۶:۳۴



رودخانه قزل اوزن طولانی‌ترین و مهم‌ترین رودخانه شمال غرب کشور است. رودی که زمانی به «طلای روان» شناخته می‌شد، اینک به بستر ترک‌خورده‌ای تبدیل شده است. رودخانه قزل اوزن، پس از سال‌ها خشک سالی و برداشت بی‌رویه، به رودخانه فصلی تبدیل شده که حتی در پایین دیگر جانی ندارد و جریان حیات آن متوقف شده است. عکس: احسان تقی بیگلرو ایستا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

یک تیر و چند نشان

نگاهی به مصوبه یونسکو در باره منشور کوروش

کیسوفغفوری

مشترک بسیاریند، سال‌ها رابطه سیاسی خوبی نداشتند و هنوز متأسفانه ایران در آن کشور رایزنی فرهنگی ندارد.

از طرف دیگر، عراق بخشی از دنیای تمدن باستانی ایران است و بسیاری از میراث فرهنگی ما در آن کشور قرار دارد که نمونه‌اش تیسفون، طاق کسری و... است، اما رابطه فرهنگی‌مان صرفا در یک حوزه تعریف شده است. منشور کوروش تقریباً هم‌زمان با دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار در عراق کشف شد و اکنون در انگلستان نگهداری می‌شود.

اگر کاوش‌های باستان‌شناسی مشترک بین ایران و عراق انجام شود، بسیاری از نقاط ناروشن تاریخ و فرهنگ این سرزمین روشن خواهد شد. بنابراین، این اتفاق نشان داد که ایران می‌تواند در دیپلماسی فرهنگی نقشیه به‌مراتب مهم‌تر بازی کند؛ زیرا با بسیاری از کشورهای منطقه و جهان میراث مشترک دارد. میراث باستانی ما در کشورهایی مثل ترکیه، کشورهای حوزه خلیج فارس، آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و حتی

یادداشت

چگونه پروژه‌های محیط‌زیستی ناتمام می‌مانند؟

سارا انواری

زیست‌محیطی بارها با چنین وضعیتی روبه‌رو شده‌اند: پروژه‌هایی که با انگیره شخصی شروع می‌شوند، مثل مستندسازی یک تالاب محلی یا پاک‌سازی یک منطقه، اما بعد از مدتی به دلیل نبود حمایت، انرژی افراد فرسوده و کار نیمه‌کاره رها می‌شود. حتی در اروپا، جایی که نهادهای فرهنگی گسترده‌تر به نظر می‌رسند، جمع‌های هنری مستقلی که روی بحران اقلیمی کار می‌کردند، به دلیل فقدان قراردادهای روشن و اتکای بیش از حد به کار داوطلبانه دوام نیاوردند و اعضا یکی‌یکی پراکنده شدند. نادیده‌گرفتن در این سطح فقط مسئله اعتبار نیست، بلکه به تجربه

روانی و زیستی فرد هم ضربه می‌زند. پروژه‌ای که می‌توانست نیرویی برای خلق معنا باشد، به منبعی از فرسودگی تبدیل می‌شود. فرد در چرخه‌ای گرفتار می‌شود که مدام کار می‌کند اما جایی ثبت نمی‌شود. همین است که بسیاری می‌گویند: «تمام کارها روی دوش من بود، اما اسمم فقط در حاشیه آمد.» ناتمامی از اینجا شبیه زخمی است که همواره باز می‌ماند؛ زخمی که نه از کم‌کاری فرد، بلکه از غیبت ساختارهایی می‌آید که می‌توانستند کار او را به رسمیت بشناسند. در لایه صنفی، مسئله شکل دیگری پیدا می‌کند، اینجا نبود شبکه‌ها و نهادهای مردمی باعث می‌شود پروژه‌ها در خلا معلق بمانند. در بسیاری از کشورها، اتحادیه‌های هنرمندان، انجمن‌های نویسندگان یا شوراهای محلی زیست‌محیطی وظیفه دارند از پروژه‌های کوچک حمایت کنند و آنها را به هم پیوند بزنند. همین ساختارها به افراد می‌گویند که کارشان بخشی از یک تلاش جمعی است و ارزشش به رسمیت شناخته شده. نبود چنین نهادهایی در ایران باعث می‌شود گروه‌های کوچک جزئیات طبیعت، نوشتن یادداشت‌ها، طراحی ماکت‌ها یا ضبط صداها، اما چون هیچ قرارداد یا ساختار رسمی پشت آن نیست، هر لحظه ممکن است متوقف شود. بدن فرد تنها زیرساخت پروژه است؛ وقتی بیمار می‌شود، وقتی فشار مالی یا خانوادگی وارد می‌شود یا وقتی ناچار است برای گذران زندگی کار دیگری کند، پروژه نیمه‌کاره می‌ماند. بسیاری از هنرمندان مستقل روایت کرده‌اند که چگونه سال‌ها پروژه‌ای را پیش برده‌اند و در نهایت، تنها ردی از آن در پوشه‌های شخصی باقی مانده است. مثل گیاه‌شناسی که مجموعه‌ای از نمونه‌های گیاهی را با دقت گردآوری کرده، اما چون به هرباریوم رسمی دسترسی نداشته، کارش هیچ وقت منتشر نشده. یا هنرمندی که در فضای هنری به رسمیت شناخته نشده و فقط به عنوان «دوستی که کمک کرده» نامش آمده است.

این وضعیت فقط محدود به ایران نیست. در ایتالیا بسیاری از گروه‌های کوچک هنری پس از جنبش‌های دهه ۷۰، به‌ویژه در آرت پُورا، پروژه‌هایی را آغاز کردند که به دلیل نبود پشتیبانه نهادی ناتمام ماندند یا فقط در حافظه شفاهی اعضا زنده ماندند. در ایران امروز هم گروه‌های کوچک علت فوت باید توسط پزشکی قانونی تشخیص داده شود.

خبرآنلاین: ماجرای مرگ کودک چهارساله در رسانه‌ها مورد

توجه قرار گرفته است. یک منبع آگاه در بیمارستان علی بن ابی طالب گفت: خانواده این کودک ادعا می‌کردند که او از بالای درخت افتاده، اما آثار سوختگی بر روی بدن کودک از جمله انگشتان و گوش وجود داشته‌که حاکی از آزار و ضرب و شتم کودک بوده است. این کودک از زمان مراجعه فاقد علائم حیاتی بوده است.

علت فوت باید توسط پزشکی قانونی تشخیص داده شود.

۴ سال

خبرآنلاین: ماجرای مرگ کودک چهارساله در رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. یک منبع آگاه در بیمارستان علی بن ابی طالب گفت: خانواده این کودک ادعا می‌کردند که او از بالای درخت افتاده، اما آثار سوختگی بر روی بدن کودک از جمله انگشتان و گوش وجود داشته‌که حاکی از آزار و ضرب و شتم کودک بوده است. این کودک از زمان مراجعه فاقد علائم حیاتی بوده است.

علت فوت باید توسط پزشکی قانونی تشخیص داده شود.

طنزخوانی

تهران را تخلیه کنیم، کجا برویم؟



آردین سیار سرج

شنبه، هفدهم آبان‌ماه را در حالی شروع می‌کنیم که آقای پزشکیمان گفته‌اند اگر تا آذر باران نیارد، باید تهران را تخلیه کنیم. حقیقتاً من دلم می‌خواهد خوش‌بین باشم ولی شواهد این را نشان نمی‌دهد که نظر ابرها در این ۱۳ روز باقی‌مانده به آذر، تغییر کند. بر همین اساس ما فرض را بر این می‌گذاریم که تا آذر هم باران نمی‌بارد. آن‌وقت سؤال پیش می‌آید که تهران را دقیقاً باید به مقصد کجا تخلیه کنیم؟ برویم شمال؟ شمالی‌ها که خودشان از دست بقیه استان‌ها دارند شهر را تخلیه می‌کنند. یک پلن دیگر این است که برای دل دوستان عزیزِی که خوشحال شده بودند ممدانی شهردار شده نقل مکان کنیم نیویورک. ما که همین‌طوری هم داریم ریالی درمی‌آوریم و دلاری خرج می‌کنیم، حداقل جلوی فامیل پش‌ز را بدیمه که ما نیویورکیم، تصورش زیاد جالب نیست ولی ما تصور می‌کنیم، پیک نیک به‌جای پارک سر کوجه می‌رویم روف‌کاردن ایمپراسیویت، منقل می‌گذاریم برای مصارف صلح‌آمیز. جوجه می‌زیم و چایی ذغالی، آخر هفته‌ها یا خانواده می‌رویم برادوی، تئاتر بهزاد محمدی، در طول هفته هم توی وال‌استریت ضرر می‌دهیم. برای سیاسیون عزیز که متفردن از حضور سالانه در اجلاس سازمان ملل هم یک خانه اجالت نیستت مرکز شهر که دسترسی‌اش به سازمان راحت باشد. به مجسمه آزادی می‌گوییم یکم بازتر بایستد که دلمان برای میدان آزادی تنگ نشود. برای کنسرت علیرضا قربانی در تالار ایرای متروپلیتن صف می‌کشیم و با بچه‌ها سالن بسکتبال نیویورک نیکر را می‌گیریم دوتا دروازه می‌گذاریم اینور آتور زمین و سنت فوتبال سانی را ادامه می‌دهیم. بچه‌ها را می‌پرستیم دانشگاه یا نور کلمبیا و خودمان درحالی‌که در خیابان مدیسون قدم می‌زیمیم غر می‌زیمه که هیچ‌جا اینور خودمون نمی‌شه. غرق نیویورک شدیم، از بحث اصلی فاصله گرفتیم، غرض اینکه ما دقیقاً متوجه منظور آقای پزشکیمان نمی‌شویم. می‌توان این‌طور برداشت کرد که دکتر واقعا منظورش این نیست که باید تهران را تخلیه کرد. در واقع با بحرانی‌تر نشان‌دادن شرایط، دارد با یک جور تهییب می‌زند تا به بقیه شوک وارد شود و بیشتر از قبل به فکر کم‌آبی باشند. اینجا سؤالی که پیش می‌آید این است که مگر با تهییب به مردم و مسئولان، باران می‌بارد؟ پس مخاطب ایشان مردم و مسئولان نیستند؛ ابرها هستند. دوباره سؤال پیش می‌آید که مگر با تهدید ابر به اینکه ما شهر را تخلیه می‌کنیم، ابر تحت تأثیر قرار می‌گیرد؟ ابر از خدایش است که ما نباشیم، پس داستان چی بود؟ ما زیاد متوجه نشدیم.

خبرخوانی

عکس جدید از دنباله‌دار مرموز

مدارگرد مریخی «تیان‌ون ۱» چین در طول عبور نزدیک خود از کنار سیاره سرخ، از دنباله‌دار میان‌ستاره‌ای «۳۱/ATلس سومین جرمی است که تاکنون تأیید شده

که پس از منشأگرفتن از یک منظومه سیاره‌ای دیگر به منظومه شمسی ما رسیده است؛ پس از اواموآما در سال ۲۰۱۷ و ۲۱/۱بوریسوف در سال ۲۰۱۹. این بار، آژانس‌های فضایی در سراسر جهان به دنبال هر راه و روشی برای مطالعه دنباله‌دار مهاجم، ازجمله تغییر کاربری فضاییهایی که در سراسر منظومه شمسی بخش شده‌اند، هستند. تصور می‌شود ۳۱/ATلس از منظومه شمسی ما قدیمی‌تر است و اکنون سازمان ملی فضایی چین فاش کرده تصاویری دارد که مسیر آن را نشان می‌دهد و همچنین یک عکس مستقل از آن را در تاریخ سه‌وم اکتبر ثبت کرده است. این کاوشگر از دوربین تصویربرداری با وضوح بالای خود که تا حدودی قابل مقایسه با های‌رایز در مدارگرد شناسایی مریخ ناساست، اما وضوح کمی پایین‌تری دارد. برای ثبت حرکت این دنباله‌دار در برابر پس‌زمینه ستاره‌ای استفاده کرد.

شبکه‌خوانی

معجزه دموکراسی

انتخاب زهران ممدانی به عنوان شهردار نیویورک در رسانه‌های ایرانی و شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای داشت. این بازتاب به‌گونه‌ای بود که برخی معترضانة نوشتند شهردار تهران هنوز «زاگانی» است و تغییری رخ نداده است.

جواد کاشی، استاد علوم سیاسی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی در متنی که جماران آن را نیز منتشر کرده، مطالبی نوشته است که در ادامه به بخش‌هایی از آن اشاره می‌شود. در متن او آمده است: «زهران ممدانی سی‌وپه‌ارساله، خرمنگس دموکراسی را به پرواز درآورد و خواب لیبرالیسم اقتصادی و ناسیونالیسم ترامپی را آشفته کرد. دموکراسی آرمان مقدس نیست، یک فرم و ابزار صرف هم نیست. خرمنگس مزاحمی است که پوست سخت هر هویت بسته سیاسی را می‌شکافد و بحران‌ها و فقدان‌هایش را پیش چشم می‌آورد.

ترامپ سرمست قدرت بود، تا توانست تاخت، بی‌اعتنا به طبقات فرودست، مهاجران و آنچه در وجدان عمومی درخصوص مسئله فلسطین می‌گذشت. دموکراسی در کلام زهران ممدانی همین فقدان‌ها را تبدیل به مسئله کرد و در چشم راست‌های افراطی آمریکا فروکرد.

زندگی سیاسی مدرن مرتب آبستن حادثه‌های تازه می‌شود. اگر دموکراسی در میان نباشد، حادثه‌های گوناگون گردهم جمع می‌شوند تا در یک لحظه آتشفشان و زلزله برپا کنند. اجتماع سیاسی بدون دموکراسی، ترسناک است. حاکمان از مردم و مردم از حاکمان می‌ترسند. پشت پوست آرام جامعه، همیشه نطفه حادثه‌های بزرگ بارور می‌شود. اجتماع سیاسی به اردوگاه‌های گوناگون تفکیک می‌شود. هرکدام منتظر حادثه برای حذف دیگری هستند. دموکراسی اما جامعه را دست به گریبان زل‌زله‌های کم‌دانه‌ما اما مداوم می‌کند. چیزی پشت جامعه انبار نمی‌شود. متحرکان لیبرال آمریکایی دوباره بحث دیرین تنازع میان لیبرالیسم و دموکراسی را مرور خواهند کرد. سوسیال‌دموکراسی اعتبار خواهد یافت. ناسیونالیسم آمریکایی بیشتر به ضرورت یک ناسیونالیسم گشوده به دیگری خواهند اندیشید. و البته لیبرال‌ها و سوسیالیست‌ها و ناسیونالیست‌های آمریکایی به ارزش‌های بنیادین مدرنیته که پشتیبانی از نسل‌کشی در غزه را برنمی‌تابد، سیاست داخلی و خارجی آمریکا هم لاجرم با تجدیدنظرهایی مواجه خواهد شد.

این همه معجزه دموکراسی است. دموکراسی معجزه مدنی است. با حربه دموکراسی می‌توان یک جامعه را از انتظار خطرناک معجزه‌های غیرو مدنی رها کرد.» این فقط شبکه‌های اجتماعی ایران نبود که به جزئیات زندگی زهران ممدانی توجه روز گذشته توجه می‌کرد. او مرکز چند رسانه‌ها بود؛ حتی نحوه آشنایی با همسرش در یکی از اپلیکیشن‌های دوست‌یابی.

نیویورکتایمز در گزارشی به نکته‌ای حاشیه‌ای درباره او اشاره کرده است: «ادش ریش»

در گزارش این روزنامه آمده که اگر ممدانی تا زمان آغاز به کار خود از ریش‌تراش فاصله بگیرد، او نخستین شهردار نیویورک خواهد بود که پس از ویلیام جی گینور که در سال ۱۹۱۳ در این سمت درگذشت، با «ریش کامل» شهردار نیویورک می‌شود. البته چندتایی نیز سبیل داشتند، مثل دیوید دینکینز، شهردار سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳.

تصاویری نیز از دوران دانشجویی بیل دی بلازی، شهردار نیویورک بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ وجود دارد که در آن او تهریش دارد. با این حال در پرتژه‌های رسمی، شهرداران این شهر معمولاً بدون ریش ظاهر شده‌اند.

اما حالا درمورد زهران ممدانی، ریش معنای دیگری یافته است. ممدانی در یک روزنامه دانشجویی مقاله‌ای درباره ریش گذاشتن خود خیش از سفر به مصر نوشته است و دلایل خود را اعلام کرده است. ممدانی در این مقاله می‌نویسد: «با این حال در سال گذشته به‌ظاهر خود یک ویژگی مشخص دیگری اضافه کردم: ریش. در اصل، این کار یک نماد اعتراضی علیه کلیشه‌ای بود که در آمریکا بسیار رایج است، کلیشه‌ای که گاهی اوقات آشکارا بیان می‌شود اما اکثر مواقع پذیرفته شده است: پوست قهوه‌ای و ریش؟ تروریست!». اما هم‌زمان با اقامت او در مصر ریش او مسئله‌ساز شد چون در دوره اعتراضات علیه گروه اسلام‌کرای اخوان‌المسلمین در خیابان‌های قاهره، پایتخت این کشور او به‌راحتی در صف هواداران این گروه قرار داده می‌شد. همین شد که ممدانی تصمیم گرفت ریش خود را بتراشد.

ایسنا: مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال کشور، بر اساس آمارهای موجود در این مرکز، میانگین سن پدر در اولین فرزندآوری در کل کشور برابر با ۳۲.۵ بوده که در نقاط شهری این عدد ۳۳.۱ سال و در مناطق روستایی ۳۰.۷ سال است. همچنین بر اساس این گزارش، میانگین سن مادر در اولین فرزندآوری در کل کشور برابر با ۲۷.۶ سال بوده است که در نقاط شهری ۲۸.۳ سال و در نقاط روستایی ۲۴.۴ سال است.

اینترسپت گزارش داده است که یوتیوب ۷۰۰ ویدئو را که جنایات جنگی اسرائیل را مستند می‌کند، حذف کرد. طبق این گزارش، یوتیوب متعلق به گوگل، کانال‌های رسمی الحق، مرکز حقوق بشر المیزان و مرکز حقوق بشر فلسطین (PCHR) را به طور دائم حذف کرده و صداها ویدئو را که جنایات جنگی اسرائیل را در غزه و کرانه باختری اشغالی مستند می‌کند، حذف کرده است.

ایسنا: مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال کشور، بر اساس آمارهای موجود در این مرکز، میانگین سن پدر در اولین فرزندآوری در کل کشور برابر با ۳۲.۵ بوده که در نقاط شهری این عدد ۳۳.۱ سال و در مناطق روستایی ۳۰.۷ سال است. همچنین بر اساس این گزارش، میانگین سن مادر در اولین فرزندآوری در کل کشور برابر با ۲۷.۶ سال بوده است که در نقاط شهری ۲۸.۳ سال و در نقاط روستایی ۲۴.۴ سال است.

ایسنا: مرکز رصد جمعیت کشور سازمان ثبت احوال کشور، بر اساس آمارهای موجود در این مرکز، میانگین سن پدر در اولین فرزندآوری در کل کشور برابر با ۳۲.۵ بوده که در نقاط شهری این عدد ۳۳.۱ سال و در مناطق روستایی ۳۰.۷ سال است. همچنین بر اساس این گزارش، میانگین سن مادر در اولین فرزندآوری در کل کشور برابر با ۲۷.۶ سال بوده است که در نقاط شهری ۲۸.۳ سال و در نقاط روستایی ۲۴.۴ سال است.